

A Grammatical Analysis of the Particle "*bar*" in Early Persian Prose: 4th/10th to 6th/12th Centuries

Hassan Dehghanipour *

PhD in Persian Language and Literature, Lecture
the University of Applied Science and
Technology of Alborz Province, Karaj, Iran.

Abstract

This study investigates the evolution and semantic variation of the particle "*bar*" in Persian prose from the 4th/10th to the 6th/12th centuries AH. This period witnessed significant transformations in grammatical categories and the emergence of novel meanings, particularly within the domain of particles, which is uniquely reflected in both exegetical and non-exegetical works of the period. The heightened focus on accurate translation and interpretation of the Quran during this era spurred scholarly interest in these evolving grammatical features. While subsequent scholarship has examined particles from various perspectives, a comprehensive analysis of particles as grammatical categories, their role in linguistic structures, semantic domain and components, and the historical factors influencing their development, as well as their role in the construction of irony, metaphor, and simile, remains lacking, especially for this period of early Persian prose.

This research addresses this gap by employing a descriptive-analytical methodology. The analysis draws upon a corpus of 51 volumes encompassing 11 exegetical and 4 non-exegetical works. After identifying approximately 340 Persian particles with multifaceted semantic components, the particle "*bar*" was chosen due to its centrality in the aforementioned issues. Through library research and statistical data analysis informed by grammatical principles, this study explores the following: the syntactic function of "*bar*" within various linguistic structures; the historical and contextual factors

* Corresponding Author: Dehghanpourhassan@gmail.com

How to Cite: Dehghanipour, H. (2024). A Grammatical Analysis of the Particle "*bar*" in Early Persian Prose: 4th/10th to 6th/12th Centuries. *Literary Language Research Journal*, 2(5), 125-158. doi: 10.22054/JRLL.2024.79991.1076

contributing to the formation of its semantic domains and subcomponents; the influence of "*bar*" in constructing irony, metonymy, and metaphor within the selected texts.

The findings reveal that authors employed both simple and complex structures featuring "*bar*" to express their ideas and convey Quranic and religious concepts. Moreover, the research suggests that authors paid particular attention to the semantic components of this particle, contributing to the preservation of Persian lexical purity by limiting the influx of non-Persian particles. Exegetical sources played a pivotal role in this regard, often overlooked in previous studies. Additionally, these sources contributed significantly to the expansion of verb meanings. The sources under discussion, with their social, ethical, and historical themes, have successfully crafted engaging prose with distinctive Persian characteristics by strategically employing the particle "*bar*" and selecting its appropriate semantic components. Beyond its extensive role in conceptualization and creating secondary meanings, the rhetorical function of "*bar*" in various constructions of metonymy, metaphor, and Irony is noteworthy from a grammatical perspective. In particular, "*bar*" serves as a pivotal tool in transforming metonymy into a prominent and widely used secondary meaning creator. The analysis reveals that both exegetical and non-exegetical sources have extensively utilized metaphor, following metonymy. Non-exegetical sources, in particular, have effectively employed metaphor to create vivid mental and abstract imagery, ensuring the enduring nature of their works. Irony emerges as the second most significant secondary meaning creator, enabling non-exegetical sources to enhance the imaginative and literary aspects of their prose through the use of "*bar*."

A distinctive feature of this research is the identification of 45 interconnected semantic components associated with the particle "*bar*." The sheer number of these components surpasses those found in existing dictionaries, grammar books, and previous studies. Another significant novelty is the determination of the works and contexts related to the grammaticalization of these components within the sources under discussion, given their antiquity. Moreover, this study introduces another novel and noteworthy aspect, namely, the identification of various domains associated with "*bar*," including location, responsibility, attribution, and others, which are predominantly abstract.

Additional novelties of this research include the presentation of diverse data on the application of semantic components in each of the exegetical and non-exegetical sources. Furthermore, the study provides percentages for the use of "*bar*" in metonymy, metaphor, and irony, as well as a comparative table illustrating these percentages.

Keywords: Preposition “bar”, Semantic components, Semantic fields, Allegory, Metaphor.



حرف «بر» از منظر دستور شناختی در ۱۵ اثر از قرن چهارم تا ششم

دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان البرز، کرج، ایران.

حسن دهقانی پور * ID

چکیده

حروف از اجزای مهم زبان هستند که از منظر زبان‌شناسی و دستور زبان مطالعات متعددی روی آن‌ها انجام شده است. با این حال، بررسی حروف به‌عنوان مقوله، جایگاه آن‌ها در سازه بندی‌های زبانی، حوزه‌ها و مؤلفه‌های معنایی و علل شکل‌گیری این مؤلفه‌ها، نقشی که در سازه‌های زبانی و آفرینش‌های ادبی ایفا می‌کنند به‌ویژه تأثیرگذاری و جایگاه آن‌ها در ساخت کنایه، مجاز و استعاره هم‌چنان از خلأهای پژوهشی ست به‌ویژه در تهرهای کهن فارسی. در مطالعه‌ای که روی ۱۱ اثر تفسیری و ۴ اثر غیرتفسیری از قرن چهارم تا ششم قمری صورت گرفت، هزاران نمونه از کاربردهای گوناگون حروف استخراج گردید. پس از شناسایی ۳۴۰ حرف فارسی، حرف اضافه «بر» به دلیل اهمیت آن در ساخت مؤلفه‌های معنایی و آرایه‌های ادبی انتخاب گردید. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد، تلاش گردید با توجه به داده‌های آماری و با تکیه بر مبانی دستور شناختی به مؤلفه‌های معنایی «بر»، نوع تأثیرگذاری آن، جایگاهش در سازه بندی‌های زبانی، چگونگی شکل‌گیری حوزه‌ها و مؤلفه‌های معنایی از جنبه‌های مختلف، کاربرد و نقشش در شکل‌گیری آرایه‌های ادبی و ایجاد معانی ثانویه به‌ویژه در ساخت کنایه، مجاز و استعاره پرداخته شود. شناسایی ۴۵ مؤلفه معنایی حرف «بر»، خاستگاه هر کدام از مؤلفه‌ها و بیان حوزه‌های آن، و هم‌چنین نقششان در ایجاد کنایه، استعاره، تشبیه، و معانی ثانویه از جنبه‌های نوآورانه پژوهش حاضر است.

کلیدواژه‌ها: «بر»، مؤلفه‌های معنایی، حروف اضافه، حروف جهت‌دار، حروف آرایه‌ساز، مجاز، کنایه.

۱. مقدمه

مطالعات در حوزه «حروف» فارسی با رویکردهای زبان‌شناسانه و دستور معاصر زبان فارسی، به دلیل گستردگی منابع و آثار جامع نبوده‌اند، ضمن آنکه رویکردهای تحلیلی به کارگرفته بسندگی کافی را نداشته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است با بهره‌گیری از دستور شناختی که نظریه‌ای پیشروست و «ساختار زبان را به مثابه محصول شناخت و برهم‌کنش اجتماعی توصیف می‌کند» (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۷)، حرف «بر» در تثرهای کهن فارسی بررسی گردد. قراردادن پژوهش بر پایه این دستور برای بررسی وسیع‌تر حرف «بر» ضروری به نظر می‌رسید.

در اغلب آثار تفسیری قرن‌های چهارم تا ششم هجری می‌توان ترجمه آیات قرآن را به زبان فارسی کهن یا گویش‌های متداول آن دوران دید که «دستوری‌شدگی» برخی حروف یکی از ویژگی‌های زبانی آن‌هاست. ویژگی‌های فراوان زبانی، گستردگی منابع، و بررسی ناکافی این منابع دینی مبنای اصلی انتخاب آثاری چون ترجمه تفسیر طبری، تفسیر قرآن پاک، تفسیر گزاره‌ای بخشی از تفسیر قرآن کریم (تفسیر شُنُقُشِی)، تاج التراجم فی تفسیر قرآن الاعاجم، بخشی از تفسیری کهن، تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج)، بخشی از تفسیری کهن به پارسی، تفسیر نَسَفِی، تفسیر سوراآبادی، رُوضُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجَنَانِ، و کشف الاسرار و عُدَّة الابرار شد. دیگر تثرهای کهن پارسی نظیر تاریخ بیهقی به دلیل داشتن زبان ادبی منشور با ویژگی‌های سیاسی، سفرنامه ناصر خسرو به دلیل داشتن توصیفات محیطی، قابوس‌نامه و چهار مقاله (مجمع‌النوادر) به دلیل داشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی انتخاب شدند تا مبنایی برای جامع‌نگری درباره حرف «بر» مطابق با دستور شناختی در این پژوهش باشد. برای ساده‌تر شدن پژوهش به‌ناچار از «دستور درزمانی» بهره بردیم که مطالعه زبان در مقطع و دوره‌ای خاص و مشخص است (وفایی، ۱۳۹۵: ۱۱). مقطع مورد نظر ما قرن‌های چهارم تا ششم بود.

۲. مرور پیشینه

ارسلان گلفام و همکارش (۱۳۸۵) در مقاله خود در بررسی حروف اضافه «در/توی» به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد شناختی روشنگری گویاتری از حروف اضافه مکانی ارائه می‌دهد. پژوهش مختاری و رضایی (۱۳۹۲) در بررسی شبکه معانی حرف «با» نشان دادند که معانی گوناگون این حرف تصادفی نبوده‌اند. نتیجه پژوهش راسخ و همکارش (۱۳۹۲) درباره شبکه معنایی حروف «در» و «سر» در فرهنگ سخن این بود که مکان (حوزه عینی) مقدم بر زمان (حوزه انتزاعی) است. سپیده عبدالکریمی و احسان چنگیزی (۱۳۹۸) در مقاله خود چندمعنایی و روند دستوری شدگی حرف اضافه «با» را در فرهنگ‌ها، دستورها و منابع تاریخی بر اساس تحلیل مؤلفه معنا بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که این حرف در تحولات زبان فارسی دو مرحله را طی کرده است: ۱) اسم به حرف اضافه بدل شده؛ ۲) سپس کارکردهای دیگر یافته است. ایشان ۱۶ نقش معنایی برای «با» یافته‌اند. درباره حرف «بر» تا کنون پژوهشی مستقل و جامع مبتنی بر دستور شناختی انجام نشده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شد. افزون بر فرهنگ‌ها، منابع زبان‌شناسی، و کتاب‌های دستور زبان ۱۵ اثر دیگر نیز انتخاب شد. با استفاده از داده‌های آماری ۴۰۰ نمونه از کاربردهای گوناگون معنایی حرف «بر» بررسی گردید.

۴. مبانی نظری پژوهش

۴.۱. مقوله‌بندی^۱

لنگکر^۲ معتقد است بدون مقوله‌بندی نمی‌توان الگوها یا قاعده‌مندی‌ها را تشخیص داد (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). به عبارت دیگر مقوله‌بندی یافتن تشابه‌ها از میان تفاوت‌هاست. با تشخیص تشابهات طبقه‌بندی پدیده‌های دارای همانندی در ذهن شکل می‌گیرد

1. categorization

2. Langacker

(عبدالکریمی، ۱۴۰۰: ۱۵۳). در زبان‌شناسی شناختی دو محور افقی و عمودی امکان مقوله‌بندی را می‌دهند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۲۵۶)؛ برای مثال حرف و دستور در محور عمودی، و فعل و حرف و اسم در محور افقی قرار می‌گیرند.

۲. ۴. مفهوم‌سازی^۱

«مفهوم‌سازی» از دیدگاه لنگکر چنین است که در نگرش تعاملی، معنا هر لحظه به وسیله طرفین گفتگو و بر اساس بافت فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید (بهرامی، ۱۳۹۸: ۶۱). بر اساس انگاره شناختی معنا پدیده‌ای پویاست که درگفتمان‌ها و ارتباطات اجتماعی توسط کاربران زبان خلق می‌شود.

۳. ۴. حوزه^۲

«دانش وسیع و البته پس‌زمینه‌ای در اصطلاح لنگکر حوزه نامیده می‌شود» (بهرامی، ۱۳۹۸: ۷۵). هر حوزه نظامی از مفاهیم مرتبط به هم است که برای فهم این مفاهیم باید کل ساختی را درک کرد که آن مفاهیم در آن ساخت جای می‌گیرند. برای مثال مفاهیم مرتبط با روابط خویشاوندی مثل عمو، دایی و خاله زیرشمول مفهوم «خویشاوند» قرار دارند (عبدالکریمی، ۱۳۹۳: ۸۰).

۴. ۴. دستوری‌شدگی^۳

در دستوری‌شدگی واژه قاموسی نقش دستوری می‌گیرد (کرافت، ۲۰۰۳: ۳۳) یا واحدهای دستوری موجود نقش‌های دستوری بیشتری به دست می‌آورند. ایوانز و گرین دستوری‌شدگی را حاصل چندمعنایی می‌دانند (۲۰۰۶: ۳۱۷) که در سیر تاریخی شکل می‌گیرد؛ مثلاً اسمی در طول زمان به حرف تبدیل می‌شود.

-
1. conceptualization
 2. domain
 3. grammaticisation

۴. ۵. چندمعنایی^۱

در دستور شناختی «چندمعنایی» به یک واحد زبانی گفته می‌شود که معانی گوناگون اما مرتبط داشته باشد. برای مثال «بر» دارای معانی بالا، روبه‌رو و جز این‌هاست.

۴. ۶. سازه‌بندی^۲

از نظر لنگکر انطباق، نمابرداری، گسترش، و سازه‌بندی چهار عامل در شکل‌گیری طرحواره‌های ساختی هستند (۲۰۱۳: ۱۸۳). او سازه‌بندی را در دستور شناختی ترتیبی می‌داند که بر اساس آن ساختارهای مؤلفه‌ای یکی پس از دیگری با هم ترکیب می‌شوند و ساختار ترکیبی پیچیده‌تری پدید می‌آورند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۵۵). «بر دست این محمد» در عبارت «این بتان بر دست این محمد هلاک شود» (طبری، ۱۳۹۳: ۱۹۵۶/۴) نمونه‌ای از سازه‌بندی گروه اسمی است.

۴. ۷. کنش^۳

کنش عنوانی است که برای اشاره به کمیت در حوزه مفهومی زمان در نظر گرفته می‌شود. کنش پیوسته مثل دراز کشیدن یا کنش منقطع مانند لگزدن (عبدالکریمی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

۴. ۸. روابط زمانی (فرایند)^۴

از نظر لنگکر فرایند در دستور شناختی امری است در طول زمان شکل می‌گیرد (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۶۹)، و از نظر ویوین اونز^۵ فرایند (روابط زمانی) با فعل‌ها رمزگذاری، و به روابط زمانی ساده و پیچیده تقسیم می‌شوند (رضایی و قندهاری، ۱۳۹۸: ۱۲۳) پیچیده مثل «پرنده در حال خوردن دانه است»، و ساده مثل «پرنده عاشق دانه است». قابل ذکر است که رابطه غیرزمانی به حروف اضافه و چیزهای دیگر ارتباط دارد. روابط غیرزمانی ساده وضعیتی مثل

1. polysemy
2. constituency
3. action
4. relations temporal
5. Vyvyan Evans

«خودکار روی میز» و روابط غیرزمانی پیچیده، صحنه ایستای پیچیده مثل «ماسه‌های سراسر کف اتاق» را کدگذاری می‌کنند.

۴.۹. نقطه متحرک^۱ و نقطه ثابت (مکان‌نما)^۲

بر اساس نظر ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۳۳۳) معانی حرفی که بنیاد فضایی دارند، بر اساس طرح‌واره تصویری سازمان می‌یابند. در این صورت نقطه متحرک کوچک، و نقطه ثابت بزرگ‌تر است. در مثال «هوایما روی شهر پرواز می‌کرد» هوایما نقطه متحرک، و شهر نقطه ثابت است.

۴.۱۰. نمابرداری^۳

لنگر برای تعریف نمابرداری از مثال وتر یعنی ضلع روبه‌روی زاویه قائمه در مثلث قائم‌الزاویه استفاده می‌کند. در این صورت وتر، ضلع برجسته در مثلث محسوب می‌شود (راسخ، ۱۴۰۲: ۸۳). برای برجسته‌دیدن وتر ابتدا باید مثلث را بشناسیم. زمانی که واژه‌ای از یک پایه انتخاب می‌شود و پس از آن رابطه نما و پایه بررسی می‌گردد، درواقع نمابرداری صورت می‌گیرد (Dirk Geeraerts, 2006: 34).

۴.۱۱. پویایی^۴

هرگاه در دسته‌ای از افعال رابطه بین متحرک و مکان‌نما در یک بازه زمانی مشخص به‌طور متناوب دستخوش تغییر شود، دچار پویایی شده است (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

۴.۱۲. مجاز^۵

جانسون^۶ (۱۹۸۰) مجاز را فرایندی ذهنی و شناختی می‌داند که بر اساس نوعی قرابت^۱ یا

-
1. terajector
 2. landmark
 3. salience
 4. dynamics
 5. metonymy
 6. Johnson

مجاورت^۲ شکل می‌گیرد (راسخ، ۱۴۰۲: ۶۹).

۴. ۱۳. کنایه^۳

لنگر در کتاب مبانی دستور شناختی خود کنایه را «انتقال در نیمرخ» تعریف می‌کند (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). کنایه با وجود داشتن الگوهای متعارف یک منبع عادی چندمعنایی است که وقتی یک کارکرد کنایی خاص جا می‌افتد و متعارف می‌شود، به نتیجه می‌رسد.

۴. ۱۴. استعاره^۴

لنگر معتقد است استعاره در یک مجموعه ارتباط میان فضای مبدأ، فضای هدف و فضای آمیخته قرار دارد. «حوزه هدف» به‌طور استعاری ساخت‌مند می‌شود. در مثال «اندیشه درست از سر من بیرون پرید» وقتی می‌خواهیم «پروراندن اندیشه» را بیان کنیم، در دسترسی به یک تجربه عادی ناتوانی رخ می‌دهد. «حوزه مبدأ» مفهوم «کمتر انتزاعی» است که به‌عنوان اساس نگاشت استعاری عمل می‌کند. در تعبیر این عبارت مبدأ با فهم پرنده‌ای که از قفس بیرون می‌پرد، فهمیده می‌شود و در نتیجه دیگر در دسترس نیست. «فضای آمیخته» حاصل تصویر مبدأ بر هدف، و ذاتاً خیالی‌ست (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۹۴).

۵. تحلیل داده‌ها

۵. ۱. مقوله‌های حرف بر

یکی از وجوه شباهت حروف اضافه (بر خلاف فعل) «غیرزمان‌مندی» آن‌هاست. واژه «بر» در زبان فارسی غیرزمان‌مند و دارای دو مقوله اسم و حرف بوده است. «سینه و آغوش» قدیمی‌ترین مؤلفه معنایی «بر» در مقوله اسم قرار دارد و در آثار پهلوی و اوستایی (خانلری، ۱۳۷۳: ۲۳۵) و پس از آن نیز کاربرد داشته، و با تغییر مقوله از اسم به حرف «چندمعنایی»

-
1. proximity
 2. contiguity
 3. allusion
 4. metaphor

شده است. هر یک از مؤلفه‌های معنایی آن عضو مقولهٔ اخیر هستند و با هم ارتباط دارند.

۲.۵. مؤلفه‌های معنایی «بر» در منابع تفسیری

بر عهده گرفتن

حرف «بر» با پذیرش موقعیت و معنی جدید، تبدیل اسم به حرف را نشان می‌دهد. نمونه‌های آماری در جدول ۱ نشان می‌دهند که بیشترین درصد کاربرد مؤلفهٔ مذکور در تفسیر شنقشی است. بخشی از تفسیری کهن، روض الجنان، و تفسیر قرآن مجید (نسخهٔ کمبریج) نیز این مؤلفه را دارند. کاربرد آغازین و خاستگاه این مؤلفه از نظر زمانی قرن پنجم و ششم؛ از نظر مکانی (در آثار مورد بحث) نواحی خراسان، هرات و ری؛ و دلیل دستوری‌شدگی آن رواج ترجمه و مباحث دینی است. آثار دیگر این مؤلفهٔ معنایی را نداشته‌اند. در مثال «هیچ وزر و بزه نبود بر شما اندر آنچه سخنانی بر معنی گوید آن زنان را» (تفسیر شنقشی، ۱۳۵۴: ۴۷) «بر» مفهوم بر عهده نبودن بار گناه در «حوزهٔ انتزاعی مسئولیت‌پذیری» را دلالت می‌کند.

به

این مؤلفه در تفسیر بخشی از قرآن کریم به پارسی بیشترین کاربرد را دارد. تفسیر قرآن مجید، تاج التراجم و روض الجنان در رده‌های بعدی قرار دارند. با توجه به آثار مورد بحث دستوری‌شدگی این مؤلفه به نواحی هرات و خراسان برمی‌گردد. در مثال «ظلم کردن بر مردمان» (تاج التراجم، ۱۳۷۵: ۹۸۳/۳) نمونه‌ای از شرکت «بر» در سازه‌بندی گروه فعلی را می‌بینیم. در مجموع طبق داده‌های مندرج در جدول ۱ فراخواندن اسم‌های فارسی در این مؤلفه به کمک «بر» دوبرابر اسم‌های عربی است. سازه‌بندی‌های پیچیده مانند «هدایت دادن بر» (رازی، ۱۳۶۵: ۷۲/۲۰) از نمونه‌های مستعمل در فارسی معیار به شمار می‌روند. مثال‌هایی مانند «خودِ خدای ظلم نکند بر مردمانی هیچ» (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۹۸۳/۳) بر تثبیت این مؤلفهٔ معنایی در امور معنوی و انتزاعی در قرن پنجم و ششم دلالت دارد.

دارای تفاوت

از «مؤلفه‌های روبه زوال» در آن زمان، می‌توان از مؤلفه مذکور در کشف‌الاسرار یاد کرد. چنین مؤلفه‌های زودگذر را «مؤلفه‌های کوتاه‌عمر» می‌نامیم. «بر» در عبارت «ظالمان هرچندکه سه قوم رستگارند به حکم خیر، اما راه ایشان بر تفاوت است» (میبدی، ۱۳۸۲: ۲۱/۱) نمونه‌ای خاص از اثر مذکور است.

زنهار و بر حذر داشتن

برابر داده‌های مندرج در جدول ۱ کاربرد «بر» در این مؤلفه به ترتیب در بخشی از تفسیری کهن، تفسیر قرآن مجید و ترجمه تفسیر طبری در اولویت قرار دارند. تفسیرهای مذکور در دستوری‌شدگی این مؤلفه پیش‌تاز هستند. «فر» در مثال «وای فر کسهایی از مهتران جهودان که همی نبیسنند توریت را به دستهایشان (بخشی از تفسیری کهن: ۳) در «حوزه اختصاص دادن» است.

برای

این مؤلفه در تاج التراجم، سوراآبادی، کشف‌الاسرار، تفسیر بخشی از قرآن کریم به پارسی، تفسیر قرآن مجید، تفسیر نسفی و ترجمه تفسیر طبری دیده می‌شود. نواحی خراسان شمالی به جهت داشتن بیشترین درصد کاربرد (جدول ۱) اهمیت دارند. در عبارت «اگر بجنبانی او را، فروافتد بر تو خرمای نزه و تازه...» (تفسیر قرآن مجید، ۱۳۴۹: ۱۴/۱) حرف «بر» در حوزه اختصاص دادن و برای رمزگذاری منبعی به کار رفته که حرکت یا انجام عمل از ناحیه دستوردهنده اول (خداوند کریم) شروع و از طریق او (مریم) ادامه یافته و کنشی منقطع است.

نسبت

در عبارت «مبیرید بر خدای تعالی دروغی» (تفسیر قرآن مجید، ۱۳۴۹: ۶۳/۱) با آمدن حرف «بر»، متمم (خدا) و اسم (دروغ) معنای اصلی فعل ناپدید می‌شود. تاج التراجم بیشترین کاربرد این مؤلفه را دارد. همه آثار در این مؤلفه (جدول ۱) از نواحی خراسان‌اند.

همراهی

می‌توان تفسیر قرآن مجید را به جهت کارگرفتِ «بر» در مؤلفه مذکور، نخستین و تنها اثر (جدول ۱) در میان آثار مورد بحث دانست. در مثالِ «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا؛ مترسید که من بر شما بیاری دادن...» (۱۳۴۹: ۵۸/۱) «بر» از حوزه همراهی به صورت غیر محسوس رابطه‌ای فضایی را نمابرداری می‌کند که در طول زمان تکوین می‌یابد و کنشی پیوسته است. بنا بر نظر کینگ اکنشگرهایی با قدرت خود سبب بروز حالتی یا فرایندی می‌شوند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۸۷) در عبارت مذکور خداوند کریم کنشگر اصلی است.

در

«بر» در این مؤلفه، به‌طور ویژه در تفسیر قرآن مجید و ترجمه تفسیر طبری کاربرد دارد و در آثار دیگر دیده نشد (جدول ۱). در مثالِ «و بعضی گویند که سوگند بر آن جای واقع است...» (تفسیر قرآن مجید، ۱۳۴۹: ۲۴/۲) «بر» برای بیان امری معنوی به کار رفته است.

بالای سر

قدیمی‌ترین دستوری‌شدگی این مؤلفه در ترجمه تفسیر طبری و سپس در تفسیر نسفی (جدول ۱) در گونه ماوراءالنهری دیده شد. در عبارت «پدید آوردیم چراغ تابان بر فلک دوار» (نسفی، ۱۳۹۰: ۱۱۲۹) نقطه متحرک چراغ است و نقطه ثابت فلک دوار. برجسته‌ترین مشارک در این رابطه متحرک (چراغ) است.

قرار دادن

مشارکت «بر» در مؤلفه یادشده، برابر داده‌های جدول ۱ از نظر درصد و قدمت به ترتیب در تفسیر قرآن مجید و روض الجنان از نواحی خراسان و ری است. در عبارت «ابن زید گفت مَنّت منه بر مردمان تا بر آن اجرتی بستانی» (رازی، ۱۳۶۵: ۲۴/۲۰) طبق پدیده شناختی ابتدا قرار دادن (امری مادی) را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما بلافاصله با فراخواندن اسم عربی «مَنّت»

و حرف «بر» معنای اولیه ناپدید و معنای ثانویه ظاهر می‌گردد.

اعتماد کردن

این مؤلفه فقط به تفسیر نسفی اختصاص دارد. در عبارت «اعتماد بر وی کن» (۱۳۹۰: ۱۱۰۷) گروه اسمی «بر وی» بدون در نظر گرفتن فعل رابطه غیرزمانی ساده دارد.

توانا بودن بر همه

این مؤلفه معنایی به ترتیب در تفسیر بخشی از قرآن کریم به پارسی، کشف الاسرار و تفسیر نسفی (جدول ۱) به کار رفته و دستوری‌شدگی آن را باید در این مؤلفه در منابع تفسیری مناطق هرات و نسف جستجو کرد. عبارت «الله بر همه چیز قادر است و بر همه کار تواناست» (میبدی، ۱۳۸۲: ۹۲/۱) پدیدارشدن مفهوم «توانا بودن بر همه چیز» بر مبنای پویابودن مفهوم‌سازی از طریق زمان بوده است.

خطاب قرار دادن

این مؤلفه در تفسیر نسفی و ترجمه تفسیر طبری (جدول ۱) از نواحی ماوراءالنهر به کار رفته است. در عبارت «چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما، گویند این است افسانه‌های پیشینیان» (نسفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴۶) نمایندگاری از روبه‌رو در حوزه مکان در زمان تلاوت آیات قرآن صورت گرفته و دارای کنش پیوسته است.

به خاطر و به دلیل

قدیمی‌ترین دستوری‌شدگی در این مؤلفه، در ترجمه تفسیر طبری از قرن چهارم و پس از آن تفسیر نسفی (جدول ۱) دیده شد. در مثال «طعام می‌دهند بر دوستی به درویش در یتیم و اسیر» (نسفی، ۱۳۹۰: ۱۱۲۰) «بر دوستی» رابطه انتزاعی دارد.

توکل کردن

نتایج بر تأثیر مفاهیم قرآنی و پیشگامی تفسیرهایی مانند سورآبادی و روض الجنان (جدول ۱) در

دستوری‌شدگی این مؤلفه و ایجاد معنای ثانویه با توجه به آثار مورد بحث حکایت دارند. در عبارت «من توکل کردم بر خدای» (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۰۶) پناه بردن به خداوند نمابرداری شده است.

تهدید، اختصاص دادن

قدیمی‌ترین کاربرد این مؤلفه در بخشی از تفسیری کهن دیده می‌شود. در عبارت «وای فر آن کسهایی از مهتران جهودان که همی نیسند توریت را به دست‌هایشان» (۱۳۷۵: ۳) «وای» حرف اضافه «فر» را برای ایجاد این مؤلفه فراخوانده است.

نزد

بیشترین کاربرد این مؤلفه در تفسیر قرآن پاک و پس از آن تاج التراجم و روض الجنان (جدول ۱) ویژه نواحی خراسان و ری است. در آثار دیگر این مؤلفه دیده نشد. در مثال «گفت هرچه شما کنید و گویند و پیش فرستید هیچ بر خدای پوشیده نباشد» (تفسیر قرآن پاک، ۱۳۸۵: ۶۸) «پوشیده بودن بر» درباره امور غیرحسی و غیبی است.

تماس بر روی

این مؤلفه در حوزه مکان ویژه تفسیر شنقشی است و در مثال «بر آن کشته زیند پاری از آن گاو...» (۱۳۵۴: ۱۲) رابطه ایجادشده رابطه عمودی میان «گشته» و «گاو» است. «گشته» به‌عنوان متمم که برجستگی^۱ بیشتری دارد کانون اولیه است. کنش شکل گرفته به کمک «بر» به صورت منقطع است.

تأیید کردن

حروفی را که در حوزه تأیید هستند، «مؤلفه‌دار تأییدی» می‌نامیم و در میان آثار بررسی شده فقط در تفسیر قرآن پاک (جدول ۱) دیده شد. در عبارت «شریعت موسی^(ع) بر این جمله بود

(۱۳۸۵: ۴)، «بر» در تأیید مطلب پیشین است.

پیرامون

این مؤلفه از حروف حوزه مکان، در قرن ششم در دو اثر کشف الاسرار و روض الجنان (جدول ۱) دیده شد که ویژه منابع تفسیری در میان آثار مورد بحث بوده است. در عبارت «می‌گردند بر ایشان غلامانی مخلّد و مؤید» (رازی، ۱۳۶۵: ۸۶/۲۰) «بر» برای نمابرداری از گردیدن پیرامون به صورت همیشگی و ابدی است.

برگزاری

این مؤلفه در تفسیر شفقشی در حوزه عمل به کار رفته است. در مثال «دایم بریستید و نگهدار باشد بر نمازهای فریضه و به طهارت» (۱۳۵۴: ۴۹) «بر» به برگزاری امری معنوی به صورت پویا دلالت دارد.

پیروی کردن

با توجه به عبارت «چون ما پدران خویش را بر کیش یافتیم که بر پی‌هایشان پسرو می‌باشیم (مییدی، ۱۳۸۲: ۵۰/۹) می‌توان بر پیشتازی کاربرد این مؤلفه با میزان کم (جدول ۱) در کشف الاسرار از نواحی هرات اشاره کرد.

در قالب

این حرف را که «مؤلفه‌دار علمی» می‌نامیم نخستین بار در کشف الاسرار دیده شد و برای نمابرداری از باب‌های عربی در حوزه صرف به میزان کم (جدول ۱) نقش ایفا می‌کند. در مثال «تأویل بر لفظ تفعیل است» (مییدی، ۱۳۸۲: ۲۰/۲) بر مبنای دستور شناختی، زمانی باب تفعیل می‌تواند دارای مفهوم باشد که باب‌های دیگر وجود داشته باشند.

بیان دلیل

در میان تفسیرهای فارسی اولین و مهم‌ترین اثری که به بحث اعراب در حوزه صرف و نحو در

تفسیر فارسی توجه ویژه داشته، روض الجنان است. کاربرد کم این مؤلفه (جدول ۱) نشان‌دهنده آغاز رواج آن است. در مثال «... و نصب او بر حال است» (رازی، ۱۳۶۵: ۹۸/۲۰) «بر» از حروف مؤلفه‌دار علمی برای بیان دلیل است.

القاء کردن

در میان آثار تفسیری روض الجنان دارای این مؤلفه است و آثار غیرتفسیری با این مؤلفه بیگانه‌اند. این مؤلفه بعد از مؤلفه «نزد» و «برعهده گرفتن» در روض الجنان در رتبه سوم (جدول ۱) از نظر میزان کاربرد قرار دارد. در مثال «خدای تعالی پیغامبران را بفرستاد یا فرشتگان را به پیغامبران تا القاء ذکر کردند بر ایشان برای اعذار و انذار» (۱۳۶۵: ۱۰۰/۲۰) «بر» در مفهوم‌سازی «القاء کردن» به عنوان واحد زبانی شرکت دارد. ویوین اونز معتقد است واحدهای زبانی در فرایند ساخت معنا که در سطح مفهومی اتفاق می‌افتد، مشارکت دارند (رضایی و قندهاری، ۱۳۹۸: ۲۱۰). فرایند ساخت معنا در منابع تفسیری بیشتر از منابع غیرتفسیری است.

در حقّ

فقط روض الجنان این مؤلفه کم کاربرد (جدول ۱) را دارد و در آثار دیگر دیده نشد. در مثال «خدای تعالی بر ایشان ظلم نکرد» (۱۳۶۵: ۳۲/۱۲) فعل عبارت، اسم عربی «ظلم» و سپس حرف «بر» و متمم را برای مفهوم‌سازی دینی جدید فراخوانده است. این نوع سازه‌بندی را الگوی ساخت در سایر مفاهیم در نظر می‌گیریم.

روی

ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی این مؤلفه را در حوزه مکان به کار برده‌اند. درصد پایین کاربرد (جدول ۱) گویای توجه کمتر این مفسرین به امور محسوس در حوزه مکان است. در مثال «موسی و فرعون بر رود نیل بگذشتند تا به درگاه فرعون رسیدند» (سوراآبادی، ۱۳۸۰: ۷۸۵/۲) نمابرداری از افراد در حال حرکت بر سطحی محسوس است.

بر صورت

در میان آثار مورد بحث تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج) تنها اثری است که «بر صورت» را در سازه‌بندی جدید با بالاترین میزان (جدول ۱) به کار برده است. «بر صورت» در مثال «بیازند مرگ را بر صورت کبشی سیاه و سپید به دوزخیان نمایند» (۱۳۴۹: ۲۲/۱) یک رابطه ساده ایجاد نمی‌کند. بنابر نظر لنگکر رابطه‌ای که با یک حرف اضافه نمابرداری شود، می‌تواند هم پیچیده یا مرکب باشد و هم ساده (میرزا بیگی، ۱۳۹۷: ۱۹۸). در اینجا رابطه ایجادشده رابطه‌ای مرکب است که آوردن مرگ را به صورت گوسفندی لحظه‌به‌لحظه و پی‌درپی مانند عکس‌های پی‌درپی (در طرحواره) نمابرداری می‌کند. این نمابرداری شبیه حرف اضافه ساده «در مدرسه» نیست که فقط متحرک و زمینه داشته باشد.

بالا

قدمت این مؤلفه به ترجمه تفسیر طبری و تفسیر قرآن پاک برمی‌گردد. در سایر آثار تفسیری و غیرتفسیری مورد بحث، این مؤلفه دیده نشد. در مثال «پس گفتند رو بر سر تنور تا چه بینی» (تفسیر قرآن پاک، ۱۳۸۵: ۷۵) با ترکیب مؤلفه‌های متعدد، سازه‌بندی پیچیده‌تری (لنگکر، ۲۰۰۸: ۲۰۵) پدید آمده، و رابطه فضایی ایجاد شده نیز عمودی است.

ضد و بر ضد

این مؤلفه در کشف الاسرار، تفسیر قرآن مجید و روض الجنان به جای «علیه و ضد» کاربرد داشته، و قدیمی‌ترین اثر در کاربرد مؤلفه مذکور تفسیر قرآن مجید بوده است. «بر» در مثال «رب العالمین با ایشان پیغامبری فرستاد ... تا پیغامبر در الله زارید و بر ایشان دعاء بد کرد» (میبدی، ۱۳۸۲: ۲۳۵/۷) در حوزه تقابل و نفرین است.

مؤلفه‌ها	تفسیر طبری	قرآن پاک	تفسیر شفقشی	تاج التراجیم	تفسیری کهن بخشی از	تفسیر کهریج	کهن به پارسی بخشی از تفسیر	تفسیر نسفی	سورآبادی	روض الجنان	کشف الاسرار
در قالب											۷/۵
بیان دلیل										۲/۲	
القاء										۴/۵	
در حق										۲/۲	
روی	۴								۳/۷		
بر صورت						۴۳					
بالا	۲	۲۸/۵									

۳.۵. مؤلفه‌های معنایی «بر» در منابع غیرتفسیری

دعای نیک

دلیل بالا بودن کارگرفت این مؤلفه در چهار مقاله در بین مؤلفه‌های این اثر و همه آثار مورد بحث (جدول ۲) پرداختن به مضامین اجتماعی است. تاریخ بیهقی (قدیمی‌ترین اثر) و کشف الاسرار در مرتبه بعد قرار دارند. در مثال‌هایی چون «مبارک باد بر ما و بر تو این قلعت سپاه سالاری عراق» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۲/۴۱۴) نمابرداری از مضامین تهنیت، رحمت و مغفرت است.

بر اساس

قدیمی‌ترین دستوری‌شدگی این مؤلفه در سفرنامه ناصر خسرو از نواحی بلخ، و پس از آن تاریخ بیهقی بوده است. «بر» در مثال «آن روز پنجم اسفندارمذ ماه قدیم بود از سال بر چهارصد و پانزده از تاریخ عجم» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۹). برای تعیین سال در حوزه زمانی و در عبارت «... گفت همه بر یک نسخه است» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۲۳) برای نسخه‌برداری در حوزه نوشتاری بوده است.

آگاهی بر محتوا

تاریخ بیهقی به دلیل پرداختن به انواع مکاتبات اثر مهم به شمار می‌آید. در حوزه نوشتاری با بالاترین کاربرد طبق جدول ۲ و در قدمت طبق جدول ۱ پیشتاز در به‌کارگیری این مؤلفه است. عبارت «چون امیرقُدس الله روحه بر این نامه واقف گشت، سخت شادمانه شد» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۳۶/۱) «واقف گشتن بر» در این اثر درباره درباریان است.

طول مسیر

تاریخ بیهقی و چهار مقاله (طبق جدول ۲) این مؤلفه را در توصیفات محیطی خود در حوزه مکان دارند. در عبارت «بوسهل بر راه بود» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۱۲۱/۳) «بر» در «مقوله‌بندی گروه اسمی شرکت می‌کند» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۵۸۷). بر مبنای تعریف لنگکر (۲۰۰۸: ۲۰۳) متمم (راه) ساختاری مؤلفه‌ای، و هسته (بر) زیرساختاری برجسته است.

برتری و رُجحان

این مؤلفه در آثار نواحی هرات و در موضوعات عرفانی، در سخنان پیر هرات کاربرد بیشتر، و در کشف الاسرار کاربرد کمتر (جدول ۲) را دارد. آثار دیگر مورد بحث این مؤلفه را ندارند. در عبارت «زندگی بر مرگ وقتی ترجیح دارد که این دوازده خصلت نگاه داری...» (انصاری، ۱۳۷۰: ۲۱). «بر» برای مقایسه کردن دو چیز (اسم) در حوزه رُجحان است.

زبردست

«بر» با سازه‌بندی «زبردست» مؤلفه‌ای جدید را در اثر غیرتفسیری ساخته است. چهار مقاله مهم‌ترین اثر در مؤلفه مذکور است. در مثال «یعقوب اسحاق کندی... روزی پیش مأمون درآمد و بر زبردست ائمه اسلام بنشت» (نظامی، ۱۳۲۷: ۸۸) این حرف مؤلفه‌دار مکانی به همراه مؤلفه‌های دیگر نشان‌دهنده اهمیت درجه مکانی مجلس است.

جدول ۲. درصد کارگرفت مؤلفه‌های معنایی حرف «بر» نسبت به کل کاربردهای آن در منابع غیرتفسیری قرن ۴ تا

۶

مؤلفه‌ها	تاریخ بیهقی	سفرنامه ناصر	قابوس‌نامه	چهار مقاله	سخنان پیر
به سوی	۴/۱				
دعای نیک کردن	۸/۳			۱۷/۱	
مقابل	۴/۱				
بر روی	۸/۳		۱۲/۵		۲۰
به دست	۸/۳				
بر اساس	۴/۱	۱۰			
آگاهی بر محتوا	۸/۳				
تقسیم‌بندی					۲۰
طول مسیر	۸/۳			۷/۱	
برتری و زُجحان					۲۰
روبه‌رو، کنار				۷/۱	
زبردست				۷/۵	

۵. ۴. مؤلفه‌های مشترک در منابع تفسیری و غیرتفسیری

به سوی

بیشترین میزان کاربرد این مؤلفه به ترتیب در تاج التراجم، روض الجنان، ترجمه تفسیر طبری (جدول ۳) برای نماینداری به صورت عمودی از بالا به پایین درباره کتاب یا آیه ویژه منابع تفسیری است. در عبارت «ما این کتاب را به حق بر تو فرو فرستادیم یا محمد نه به باطل» (تفسیر قرآن مجید، ۱۳۴۹: ۴۷۱/۲) «بر» در مؤلفه «به سوی» در حوزه واگذاری مسئولیت به کار رفته است. در مؤلفه معنایی داخل و به سوی در عبارت «امیر بر قلعت رفت» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۹۷۸/۳) درباره محسوسات با حرکت از محیط باز به سوی محیط بسته و به صورت افقی، تاریخ بیهقی اولین اثر (جدول ۳) در این زمینه است. این حرف را به دلیل نشان دادن جهت از «حروف جهت‌دار» می‌دانیم. رابطه‌ای که به وسیله این حرف رمزگذاری شده پویا است. پویایی آن به دلیل حرکت از محلی به محل دیگر در طرحواره است.

مقابل

«بر» در این مؤلفه در حوزه مکان برای نمابرداری از داخل به سمت بیرون یا بر عکس آن به کار گرفته می‌شود. تفسیر قرآن مجید، تاریخ بیهقی و ترجمه تفسیر طبری در میان آثار مورد بحث از نخستین آثار برای دستوری‌شدگی مؤلفه مذکور به شمار می‌روند. بیهقی در مثال‌هایی چون «یک روز به خانه خویش بودم، گفتند سیاحی بر در است» (۱۳۷۳: ۴۶۱/۱) فقط به مکان‌های این جهانی با اسم محسوس، و تفسیر قرآن مجید در مثال‌هایی چون «و خازنان بهشت بر در بهشت ایشان را پیش آیند و ایشا (به این شکل) را گویند سلام» (۱۳۴۹: ۷۴/۲) عمدتاً به مکان‌های آن جهانی در این مؤلفه پرداخته است. لنگر در دستور شناختی حروف را نسبت به ماهیت متحرک خود بی تفاوت می‌داند و متحرک هر حرف اضافه یک چیز (در) است (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۹۷). رابطه پویا، طرحواره حرکت خازنان به سوی بهشتیان است. در یک زنجیره کنش برجسته‌ترین مشارک (بهرامی، ۱۳۹۸: ۲۰۰) سر زنجیره یا همان متحرک (خازنان بهشت) است که این مشارک برجسته اغلب فاعل است و غالباً نقش معنای کنشگر را دارد.

بر روی

در این مؤلفه نمابرداری این حرف از سمت بالا به پایین، از راست به چپ یا برعکس آن است. گسترش این مؤلفه در حوزه مکان در مناطق مختلف مورد بحث ما از قرن چهارم تا ششم در نواحی غزنه، خراسان، هرات و ماوراءالنهر بوده است. بیشترین میزان کاربرد این مؤلفه در روض الجنان نشان‌دهنده اهمیت مضامین آن جهانی در این اثر است. دیگر آثار تفسیری و غیرتفسیری (جدول ۳) مؤلفه مذکور را دارند. بنا بر نظر لنگر «بر روی» یک رابطه فضایی را نمابرداری می‌کند که در طول زمان تکوین می‌یابد؛ با این حال، خود حرف اضافه همچون یک گشتالت واحد کلی تعبیر می‌شود. رابطه غیرفرایندی اعم از اینکه ساده دیده شود یا کل نگرانه، غیرزمانی است (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۷۰). رابطه فضایی ایجادشده در مثال «آسمان بر ایشان فرود افتاد» (رازی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱۲) یک رابطه پایدار و ادامه‌دار نیست؛ در حالی که در عبارت

«او روی سقف نشسته است» ممکن است این رابطه به صورت نامعین ادامه داشته باشد.

به دست

این مؤلفه فقط در تاریخ بیهقی و ترجمه تفسیر طبری دیده شد. عبارت «روز شنبه نیمه شوال نامه سلطان مسعود رسید بر دستِ دو سوار از آن وی» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۷/۱) «بر دست» در حوزه مسئولیت‌پذیری سبب چیزی را رمزگذاری می‌کند. یکی از ویژگی‌های کنشگر انسانی «داشتن دست» است.

تقسیم‌بندی

نقش سخنان پیر هرات و تفسیر بخشی از قرآن کریم به پارسی (هر دو از نواحی هرات) در دستوری‌شدگی مؤلفه مذکور پیداست. «بر» در عبارت «بنای اعمال عبدالله بر سه چیز است: اثبات حقیقت بی‌افراط و نفی تشبیه و تعلیل و تعطیل و بر ظاهر رفتن بی تخلیه» (انصاری، ۱۳۷۰: ۱۰) نشان‌دهنده رواج تقسیم‌بندی مباحث علمی است. در مثال «مولی بر هشت معنی است» (تفسیر بخشی از قرآن کریم به پارسی، ۱۳۷۵: ۲۷) بر چندمعنایی یک واژه حوزه مکان دلالت دارد.

روبه‌رو یا کنار

چهار مقاله نظامی عروضی، تفسیر نسفی و ترجمه تفسیر طبری دارای این مؤلفه هستند. این مؤلفه در دیگر آثار یافته نشد. درصد بالای کاربرد در اثر آغازین طبق جدول ۳، به دلیل موضوع اجتماعی آن؛ و درصد پایین بعضی از آثار به دلیل استفاده از معادل‌های رایج این حرف در آن زمان است. در عبارت «ماکان با ده‌هزار مرد حربی زره‌پوشیده بر در ری نشسته بود» (نظامی، ۱۳۲۷: ۲۶) «بر» به همراه مقوله‌های دیگر در حوزه مکان است.

جدول ۳. درصد کارگرفتِ مشترک مؤلفه‌های معنایی «بر» نسبت به کل کاربردهای آن در منابع تفسیری و

غیرتفسیری قرن ۴ تا ۶

مؤلفه‌ها	تفسیر طبری	قرآن پاک	تفسیر شفقشی	تاج التراجم	بخشی از تفسیری کهن	تفسیر کبریج	بخشی از تفسیر کهن به پارسی	تفسیر نسفی	سورآبادی	روض الجنان	کشف الاسرار	تاریخ بیهقی	سفرنامه ناصر	قابوس نامه	چهار مقاله	سخنان پیر
به سوی	۲/۲			۱۲/۵						۹		۴/۱				
مقابل	۴					۴/۳						۴/۱				
بر روی	۲							۱۰		۲۳/۵	۱۳/۵	۸/۳		۱۲/۵	۲۰	
قرار دادن						۴/۳				۲/۲						
به دست	۴											۸/۳				
تقسیم‌بندی							۲۰									۲۰
روبه‌رو، کنار	۲/۲							۵							۷/۱	

۵.۵. نقش «بر» در مجاز، کنایه و استعاره

مجاز

در آثار گذشته مجاز^۱ مانند استعاره نوعی آرایه دانسته شده است. جانسون (۱۹۸۰) مجاز را فرایندی ذهنی و شناختی می‌داند. مجاز بر اساس قرابت^۲ یا مجاورت^۳ شکل می‌گیرد. مجاورت رابطه نزدیک یا مستقیمی بین دو ماهیت است (راسخ، ۱۴۰۲: ۶۹). مجاورت در زبان حضوری پررنگ دارد و بدون اندیشه قبلی شکل نمی‌گیرد (نبی‌لو، ۱۴۰۲: ۸۹). در سازه‌بندی پیچیده «بر تخت زرین نشستن» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۸۷۱/۱) نویسنده، تخت (وسیله) را به جای

1. metonymy
2. proximity
3. contiguity

قدرت (هدف) به کار برده است. تخت و قدرت درون حوزه معنایی پادشاهی قرار دارند. در مثال «فاضل بر زمین می‌گذرد» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۶) زمین (کل) و بخشی از زمین (جزء) هر دو در یک حوزه قرار دارند، همچنان‌که لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) مجاز را ناشی از رابطه دو مقوله درون یک حوزه می‌دانند.

می‌توان گفت درصد کارگرفتِ «بر» در مجاز و حتی استعاره و کنایه به عوامل مهم‌تری چون موضوع، دستوری‌شدگی، معادل‌های معنایی، گونه‌های زبانی، زبان ادبی و ویژگی‌های نویسندگان بستگی دارد. سفرنامه ناصرخسرو، قابوس‌نامه، تاریخ بیهقی و روض‌الجنان (جدول ۴) آثار مهم‌تری از نظر کاربرد مجاز در میان آثار مورد بحث به شمار می‌روند. گونه‌های زبانی بلخ، ماوراءالنهر و غزنه هم از دلایل این اهمیت است. کاربرد مجاز در آثاری چون ترجمه تفسیر طبری، تفسیر بخشی از تفسیری کهن، بخشی از تفسیر کهن به پارسی از قرن چهارم و نزدیک به آن کمتر است. ۱۴ نوع مجاز در آثار مورد بررسی شناسایی و مقوله‌بندی شد. طبق داده‌های جدول ۵ به ترتیب رابطه مجازی کُل به جزء، جزء به کُل، و صفت به جای موصوف بیشترین سازندگان مجاز بر مبنای تعریف دستور و زبان‌شناسی شناختی هستند که بدون حضور حرف «بر» ممکن نیست. مجازِ کل به جزء در تفسیر سوراآبادی و سفرنامه ناصر خسرو؛ مجاز جزء به کل در بخشی از تفسیری کهن و سخنان پیر هرات؛ و صفت به جای موصوف در ترجمه تفسیر طبری و کشف‌الاسرار بیشترین کاربرد را دارند.

کنایه

در مبانی نظری پژوهش گفته شد که کنایه به صورت انتقال در نیمرخ است. این انتقال در نیمرخ در چهار مقاله، سخنان پیر هرات و تاریخ بیهقی از آثار غیرتفسیری؛ و تفسیر شنقشی، روض‌الجنان و کشف‌الاسرار از منابع تفسیری بابت کارگرفتِ «بر» در ساخت کنایه آثار مهم‌تری (جدول ۵) هستند. «بر» این امکان را به واژه‌های فارسی و عربی می‌دهد که با استفاده از ترکیب، سازه‌های پیچیده‌تری با معانی ثانویه بسازند. در آثاری چون سفرنامه ناصر و تفسیر قرآن مجید، زبان ساده باعث کارگرفتِ کمتر «بر» در کنایه‌سازی شده است. در تاریخ

بیهقی «بر» برای بیان اوضاع عمدتاً سیاسی مانند به قدرت رسیدن و اداره امور مملکتی؛ در آثار تفسیری چون روض الجنان و تفسیر شنفشی برای ساخت مفاهیم انتزاعی و دینی؛ در سخنان پیر هرات برای بیان تأسف و ترسیم حالت‌های انتزاعی و عرفانی؛ در قابوس‌نامه برای طرح مضامین اخلاقی؛ و در سفرنامه ناصر خسرو برای بیان توصیفات طبیعی شرکت دارد.

کنایه‌های شکل گرفته در این آثار به کنایه‌های ضعیف (بدون آرایه دیگر)، کنایه‌های متوسط (دارای تشبیه، مجاز و تضاد) و کنایه‌های قوی (ترکیبی از استعاره و دیگر آرایه‌ها) درجه‌بندی شد. سخنان پیر هرات اثری شاخص و قوی در این حوزه است. در مثال «بر سر از خجالت گرد داریم» (انصاری، ۱۳۷۰: ۲۷) نویسنده با بهره‌گیری از «بر» و با استفاده از تشبیه معنای ثانویه‌ای به حرف «بر» داده است.

سازه‌بندی‌های کنایی در نثر این دوره، عمدتاً در پایان عبارت و در گروه فعلی قرار دارد. در مثال «مأمون واله گشت. دل در باخته بود. جان بر سر دل نهاد» (نظامی، ۱۳۲۷: ۳۵) نهادن پیش از شکل‌گیری کنایه به معنای «قراردادن» در معنای اولیه است که با فراخواندن «دل» این معنای تجربی و محسوس محو می‌شود و معنای شناختی جدیدی شکل می‌گیرد. با آمدن «بر»، «سر» و «جان» سازه پیچیده کنایی با معنای ثانویه و انتزاعی یعنی «به‌شدت عاشق شدن» پدیدار می‌شود. در مثال «پس خواجه بوعلی بیامد و کارد بر کارد مالید و فرونشست» (نظامی، ۱۳۲۷: ۱۲۵) معنای اولیه و حسی «کارد بر کارد مالیدن» برخورد چیزی (اسم) بر سطحی است، اما معنای ثانویه آن یعنی «تیز کردن چاقو» با کمک حرف اضافه «بر» از حروف مؤلفه‌دار ابزاری و با استفاده از ابزار (چاقو) شکل گرفته است.

یکی از راه‌های ساخت کنایه به کارگیری اسم اعضای بدن است. میبیدی در کشف‌الاسرار ۵۰ درصد از دست، و از زبان و چشم هر کدام ۲۵ درصد برای ساخت کنایه بهره برده است. ۵۰ درصد از کنایه‌های موجود در چهارمقاله که با استفاده از «بر» شکل گرفته، با استعاره مصرحه و ۵۰ درصد دیگر با استفاده از استعاره مکنیه ساخته شده است.

استعاره

استعاره بنیادی مقایسه‌ای دارد (راسخ، ۱۴۰۲: ۶۹) و بنا به نظر لنگکر شامل شباهت انتزاعی میان دو حوزه مبدأ و هدف می‌شود (میرزاییگی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). در مثال «دوستی بر ایشان افکنیت» (نسفی، ۱۳۹۰: ۱۰۴۷) نویسنده دوستی را به دانه‌ای تشبیه کرده است. در عبارت «اسکافی دبیری بود از جمله دبیران آل سامان رحمهم الله و آن صناعت نیکو آموخته بود و بر شواهد نیکو رفتی» (نظامی، ۱۳۲۷: ۲۲)، رفتن بر بلندی حالت تجربی، و پیشرفت در هنر نویسندگی معنای انتزاعی آن است. همراهی «بر» و «شواهد» کنایه‌ای قوی پدید آورده است. در مثال «سالار بوزگان... کار ترکمانان را جان بر میان بست» (بیهقی، ۱۳۷۳: ۸۸۳/۳) عناصر فضای مبدأ سالار، کمر بند و ناظر هستند. ناظر می‌تواند بستن کمر بند به کمر را ببیند. عناصر حوزه هدف جان، میان (کمر) و ذهن شخص است. در اینجا رابطه میان کمر بند و جان، و میان ناظر و ذهن آگاه برقرار شده است.

برابر داده‌های مندرج در جدول ۶ تعداد مجازها، استعاره‌ها، و کنایه‌هایی که با نقش بنیادین حرف «بر» در منابع غیرتفسیری شکل گرفته‌اند، بیشتر است. درصد عباراتی که «بر» نسبت به کل حروف «بر» در ساخت مجاز، استعاره و کنایه نقش آفرینی کرده به ترتیب از این قرار است: مجاز ۳۲/۵؛ استعاره ۱۵/۵؛ و کنایه ۲۷/۸.

جدول ۴. درصد کارگرفت حرف «بر» در ساخت مجاز، استعاره و کنایه در منابع قرن ۴ تا ۶

مؤلفه‌ها	تفسیر طبری	قرآن پاک	تفسیر شنقی	ناج التراجم	تفسیری کهن	بخشی از	تفسیر کمریج	کهن به پارسی	بخشی از تفسیر	تفسیر نسفی	سورآبادی	روض الجنان	کشف الاسرار	تاریخ بیهقی	سفر نامه ناصر	قالبوس نامه	چهار مقاله	سخنان پیر
مجاز	۲۴	۱۴/۱	۲۵	۳۳	۱۰	۲۹	۱۲	۳۵/۵	۱۴/۷	۴۳	۲۳/۳	۵۱	۷۰	۶۲/۵	۲۱/۴	۲۰		
استعاره	۵/۵	۲۸/۵	۱۰	۱۱	۸	۱۰	۹	۱۰/۷	۱۳/۱	۶/۵	۱۱/۶	۱۶	۱۸	۱۲/۱	۲۱/۴	۴۰		
کنایه	۲۰/۳	۲۸/۵	۲۸/۵	۲۲/۲	۲۰	۱۷	۲۸/۵	۲۱/۴	۲۱/۳	۳۲/۶	۲۸/۳	۲۷	۱۰	۱۲/۵	۵۳	۴۰		

جدول ۵. انواع مجاز در آثار قرن چهارم تا ششم

انواع مجاز	تفسیر طبری	قرآن پاک	تفسیر شفقشی	تاج التراجیم	تفسیری کهن	بخشی از	تفسیر کمبریج	تفسیر کهن به	تفسیر نسفی	سورآبادی	روض الجنان	کشف الاسرار	تاریخ بیهقی	سفرنامه ناصر	قابوس نامه	چهار مقاله	سخنان پیر
کل به جزء	۲۱/۲	۲۰	۱۶/۶	۲۰	۳۴/۳	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶/۶	۲۶/۶	۳۸/۸			۶۶/۶	۵۰	۲۰	۲۸/۵
جزء به کل	۲۱/۵	۲۰	۱۶/۶	۲۰	۳۴/۳	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶/۶	۲۵	۲۲/۲	۲۰		۱۶/۶		۲۰	۲۸/۵
صفت به جای موصوف	۶/۲	۲۰	۳۴/۳	۲۰	۱۶/۶	۲۰	۶۰	۲۰	۶۶/۶		۵/۵	۵۳/۸	۳۰		۲۰	۲۰	۲۸/۵
حرف به جای اسم	۶/۲		۱۶/۶		۱۶/۶				۱۶/۶		۲۲/۲		۴۰			۱۰	۱۴/۲
مکان به جای انسان	۶/۲																
انسان به جای مکان	۶/۲																
ابزار به جای هدف							۲۰						۳۰				
اسم به جای اسم		۲۰						۲۰						۱۶/۶			
دست به جای قدرت	۶/۲																
محل به جای اسم															۲۰		
مایع به جای مایع (چیز)														۱۶/۶			
مضاف الیه به جای مضاف				۲۰						۲۵		۷/۶				۱۰	
مضاف به جای اسم		۲۰		۲۰							۵/۵				۲۰		

سختان پیر	چهار مقاله	قابوس نامه	سفرنامه ناصر	تاریخ بیهقی	کشف الاسرار	روض الجنان	سورآبادی	تفسیر نسفی	تفسیر کهن به	تفسیر کمبریج	بخشی از	تفسیری کهن	تاج التاجم	تفسیر شفقینی	قرآن پاک	تفسیر طبری	انواع مجاز
					۷/۶												امروز به جای آینده
		۱۶/۶				۵/۵										۶/۲	ظرف به مظروف

جدول ۶. مقایسه درصد حرف «بر» در ساخت مجاز، کنایه و استعاره

مقایسه	منابع تفسیری	منابع غیر تفسیری	منابع تفسیری و غیر تفسیری
مجاز	۲۳/۹	۴۴/۹	۳۲/۵
استعاره	۱۱/۲	۲۱/۴	۱۵/۴
کنایه	۲۴/۹	۲۸/۵	۲۷/۸

۶. نتیجه

حرف «بر» در طول زمان دارای دو مقوله اسم و حرف بوده که با تغییر مقوله از اسم به حرف «چندمعنایی» شده است. در مقوله حرف ۴۵ مؤلفه معنایی در آثار مورد بحث از قرن چهارم تا ششم یافته شد. نقش حرف «بر» در مفهوم‌سازی و ساخت مجاز، کنایه و استعاره به حدی است که تقریباً قابل حذف از عبارات نیست. خراسان، هرات و ماوراءالنهر از نواحی مهم در دستوری‌شدگی حرف «بر» به شمار می‌روند. سازه‌بندی‌های شکل گرفته در قرن‌های مورد بحث با اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارتباط دارد. در منابع تفسیری مفهوم‌سازی دینی و انتزاعی بیشتر دیده می‌شود. الگوهای مفهوم‌سازی به دو الگوی ساختی و شناختی تقسیم‌بندی می‌شوند. اسم‌های انتزاعی به همراه «بر» مفاهیم بیشتری خلق می‌کنند. نماینداری از ویژگی‌های قابل توجه دستور شناختی در بررسی این آثار بود. فرایند ساخت مفهوم به کمک حرف مذکور در منابع تفسیری بیشتر از منابع غیر تفسیری است. حوزه‌های مکان، مسئولیت‌پذیری، اختصاص دادن، همراهی، عمل، زمان، و نوشتاری از حوزه‌های قابل ذکر در این پژوهش بود. سفرنامه ناصر خسرو، قابوس نامه، تاریخ بیهقی و روض الجنان از نظر کاربرد مجاز مهم‌تر از دیگر آثار بودند. در منابع مورد بحث ۱۴ نوع مجاز شناسایی و مقوله‌بندی شد. داده‌ها بیان می‌دارند که به ترتیب رابطه کل به جزء، جزء به کل، و صفت به جای موصوف

در ساخت مجاز به کمک حرف «بر» بیشتر از دیگر رابطه‌ها به کار گرفته شده‌اند. نقش حرف «بر» در ساخت مجاز، استعاره و کنایه نسبت به حروف اضافه دیگر قابل توجه است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hassan Dehghanipour



<https://orcid.org/0000-0001-6623-9944>

منابع

- اسفراینی، شهفورین طاهر. (۱۳۷۵). تاج التراجم فی تفسیر قرآن للاعاجم. تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی. تهران: علمی فرهنگی.
- انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۰). سخنان پیر هرات. به کوشش محمدجواد شریعت. تهران: کتاب‌های جیبی.
- بخشی از تفسیری کهن. (۱۳۸۲). به تصحیح محمد روشن. تهران: سمت.
- بخشی از تفسیری کهن به پارسی از مؤلفی ناشناخته. (۱۳۷۵). تصحیح مرتضی آیت‌الله‌زاده، تهران: قبله.
- بهرامی خورشیدی، سحر. (۱۳۹۸). دستور شناختی. تهران: سمت.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین. (۱۳۷۳). تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- تفسیر قرآن پاک. (۱۳۸۵). به کوشش علی رواقی. تهران: سمت.
- تفسیر قرآن مجید: نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج. (۱۳۴۹). تصحیح جلال متینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تفسیری بر عشری از قرآن مجید، نسخه محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا. (۱۳۵۲). تصحیح جلال متینی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رازی، ابوالفتح. (۱۳۶۵). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. به تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: آستان قدس رضوی.
- راسخ مهند، محمد و رنجبر ضرابی، نفیسه. (۱۳۹۲). «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و

- «سر»». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ش ۵ (بهار و تابستان): ۹۵ - ۱۱۲.
- سورآبادی، عتیق‌بن محمد. (۱۳۸۱). تفسیر سورآبادی. تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- طبری، جریربن محمد. (۱۳۹۳). ترجمه تفسیر طبری؛ فراهم‌آمده در زمان سلطنت منصوربن نوح سامانی. به تصحیح حبیب یغمائی. تهران: دانشگاه تهران.
- عبدالکریمی، سپیده و چنگیزی، احسان. (۱۳۹۸). «چندمعنایی و روند دستوری‌شدگی حرف اضافه «با» بر اساس تحلیل مؤلفه‌ای معنی». جستارهای زبانی، ش ۵۴ (بهمن و اسفند ۱۳۹۸): ۲۸۵ - ۳۱۷.
- عنصرالمعالی، کیکاوس‌بن اسکندر. (۱۳۶۸). قابوس‌نامه. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی فرهنگی.
- گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم: تفسیر شنقشی. (۱۳۵۵). تصحیح محمدجعفر یاحقی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- گلفام، ارسلان و یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۵). «بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی؛ مطالعه موردی: حرف اضافه «در/توی»». زبان و زبان‌شناسی، س ۲ ش ۳ (بهار و تابستان): ۳۳ - ۴۶.
- مختاری، شهره و رضایی، حدائق. (۱۳۹۲). «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، س ۵ ش ۹ (پاییز و زمستان): ۷۳ - ۹۴.
- میبدی، رشیدالدین. (۱۳۸۲). کشف الاسرار و عدّه‌الابرار. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- میرزاییگی، جهان‌شاه. (۱۳۹۷). مبانی دستور شناختی. تهران: آگاه.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۴۰۲). درآمدی بر دستور زبان شعر فارسی. قم: دانشگاه قم.
- نسفی، محمد. (۱۳۹۰). تفسیر نسفی: ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجع به ضمیمه آیات. تصحیح عزیزالله جوینی. تهران: سروش.
- نظامی، احمدبن عمر. (۱۳۲۷). چهارمقاله با معانی لغات و ترجمه آیات و عبارات عربی. به اهتمام و تصحیح محمد قزوینی. قاهره.

References

- Ansari, Khwaja Abdullah. (1991). *The Words of the Sage of Herat* [in Persian: Sokhanan-e Pir-e Harat]. Edited by Djavad Shari'at. Tehran: Pocket Books Stock Company in cooperation with Amirkabir Press. First Edition. [In Persian]
- Bahrami Khorshidi, S. (2018). *Cognitive Grammar*. SAMT Publication.
- Bayhaqi, Khwaja Abul Fazl Muhammad Bin Husain. 1994. *Bayhaqi's History*. Edited by Khalil Khatib Rahbar. Tehran: Mahtab Press. Third Edition. [In Persian]
- Esfarayeni, Shahfur. (1996). *Taj Tarajem Fi Tafsir Qoran Le-Al-A 'Ajem*. Edited by Najib Mayel Heravi and Ali Akbarollahi Khorasani. Tehran: Elmi Farhangi Press. First Edition. [In Persian]
- Meybodi, Rashiddodin. (2001). *Kashf-ul-Asrar va Eddat-ul-Abrar*. Edited by Ali Asqar Hekmat. Tehran: Amirkabir Press. Seventh Edition. [In Persian]
- Mirzabeygi, J. (2017). *Grammatical foundations*. Agah Publishers.
- Nasafi, Mohammad. 2011. *Nasafi's Exegesis*. Edited by Azizollah Joveini. Tehran: Soroush Press. Second Edition. [In Persian]
- Neyshaburi, Abubakr Atiq. (2001). *Surabadi's Exegesis*. Edited by Ali Akbar Saeidi Sirjani. Tehran: Farhang-e Nashr-e Now. First Edition. [In Persian]
- Onsorol Al Maali, Keykavoos ibn Eskandar. (1989). *Book of Kavus* [in Persian: Qabus Nameh]. Edited by Qolamhossein Yusefi. Tehran: Elmi Farhangi Press. Fifth Edition. [In Persian]
- Razi, Abu al-Futuh. (1986). *The Cool Breeze of Paradise and [God's] Breath for the Soul* [in Arabic: Rawd al-Jinan wa Ruh Al-Janani Fi Tafsir Al-Qur'an]. Edited by Jafar Iahaqi and Mohammad Mehdi Naseh. Mashhad: Astan Quds Razavi. First Edition. [In Persian]
- Surabadi, Atiq ibn Muhammad. (2001). *The Surabadi's Exegesis*. Edited by Ali Akbar Saeidi Sirjani. Tehran: Fahrang-e Nashr-e Now Press. First Edition. [In Persian]
- Unknown Author. (1970). *A Quran Exegesis (The Version Kept in the Cambridge University Library)*. Edited by Jalal Matini. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran Publishers. [In Persian]
- Unknown Author. (1973). *An Exegesis of a Tenth of the Holy Quran*. Edited by Jalal Matini. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran Publishers. First Edition. [In Persian]
- Unknown Author. (1996). *A Fragment of an Old Exegesis in Persian*. Edited by Seyed Morteza Ayatollah Zadeh. Tehran: Nashr-e Qebleh Cultural Center. First Edition. [In Persian]

- Unknown Author. (2003). *A Fragment of an Old Exegesis*. Edited by Mohammad Rowshan. Tehran: Humanities Research Institute and Samt Press. First Edition. [In Persian]
- Unknown Author. (2006). *An Exegesis of Holy Quran*. Edited by Ali Ravaqi. Tehran: Humanities Research Institute and Samt Press. Second Edition. [In Persian]
- Unknown Author. (2014). *Translation of the Tabari's Exegesis*. Edited by Habib Yaqmaei. Tehran: Tehran University Press. Third Edition. [In Persian]
- Unknown Author. (2001). *Propositional Interpretation of Part of Commentary on the Holy Quran _ Shanqashi interpretation*. Edited by Mohammad Jafar Iahaqi. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran Publishers. [In Persian]

استناد به این مقاله: دهقانی پور، حسن. (۱۴۰۳). حرف «بر» از منظر دستور شناختی در ۱۵ اثر از قرن چهارم تا ششم.

پژوهش‌نامه زبان ادبی، ۲ (۵)، ۱۲۵ - ۱۵۸. doi: 10.22054/JRLL.2024.79991.1076



Literary Language Research Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.